

میهمانی در دسرساز

تهران (پانا) - دختر جوان که به اصرار یک پسر به ویلای او رفته بود، وقتی با مخالفت وی برای خروج از ویلا روبه‌رو شد سناریوی گروگانگیری را مطرح کرد اما تصور نمی‌کرد که این سناریو پای پلیس را به ماجرا بکشاند.

به ZWNJ& گزارش ایران، ساعت ۲ بامداد نخستین روز فروردین امسال زن جوانی هراسان و سراسیمه به کلانتری ۱۲۸ تهران ZWNJ& نو رفت و از ربوده شدن دوستش خبر داد.

او گفت: چند دقیقه قبل یکی از دوستانم به نام فتانه برایم چند پیام صوتی فرستاد. او در پیام ZWNJ& هایش گفت که وی را ربوده ZWNJ& اند و در خانه ZWNJ& ای ویلایی در منطقه ده ترکمن نگهداری می ZWNJ& کنند، حتی فتانه موقعیت جغرافیایی محلی را که در آن گروگان گرفته شده بود برایم فرستاد؛ بعد از آن چند پیام برایش فرستادم و او در جواب گفت که دیگر نمی ZWNJ& تواند صحبت کند و مدام از من می ZWNJ& خواست که به موقعیت ارسالی بروم و به او کمک کنم.

مأموریت برای نجات

زن جوان پیام ZWNJ& های صوتی دوستش و موقعیت مکانی را که او برایش فرستاده بود به مأموران نشان داد؛ باتوجه به مدارک موجود و اظهارات زن جوان، موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد؛ از آنجایی که مدارک نشان از آدم ZWNJ& ربایی می ZWNJ& داد، به دستور بازپرس مصطفی واحدی تیمی از مأموران کلانتری راهی موقعیت ارسالی از سوی فتانه شد.

مأموران ساعتی بعد به ویلایی در ده ترکمن رسیدند آنها چندین بار زنگ در خانه را به صدا درآوردند، اما کسی پاسخگو نبود، مأموران در تماس با بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت اعلام کردند که کسی در ویلا را باز نمی ZWNJ& کند اما چراغ ZWNJ& ها روشن است و سه خودرو داخل محوطه حیاط پارک شده است.

با احتمال گروگانگیری و با توجه به پاسخ ندادن ساکنان ویلا، سرانجام بازپرس جنایی دستور ورود به خانه ویلایی را صادر کرد و به محض ورود مأموران به خانه ویلایی، ناگهان دختر جوانی سراسیمه خود را به آنها رساند. دختر ۲۱ ساله با دیدن مأموران گفت: من فتانه هستم و به دوستم پیام دادم که مرا ربوده ZWNJ& اند و تصور می ZWNJ& کنم دوستم موضوع را به شما خبر داده است.

او ادامه داد: راستش را بخواهید آدم ZWNJ& ربایی و ربودنی در کار نیست. شب گذشته برای میهمانی به خانه ZWNJ& ای در فرمانیه رفتم آنجا با پسر جوانی به نام اشکان آشنا شدم. دوستان اشکان به همراه همسران ZWNJ& شان در میهمانی بودند و پس از پایان میهمانی، اشکان مرا به ویلایش در ده ترکمن دعوت کرد.

راهی برای بازگشت

دختر جوان گفت: چون به تازگی با اشکان آشنا شده بودم و از سویی دوستان او با همسران ZWNJ& شان بودند، پیشنهاد او را قبول کردم و سوار بر خودروی اشکان راهی ویلایش شدیم. اشتباهی که کردم، این بود که به اصرار او خودروام را نیاوردم؛ فردای آن روز زمانی که خواستم به خانه برگردم، اشکان اصرار کرد که سال تحویل را هم با آنها باشم. با اینکه خانواده ZWNJ& ام منتظرم بودند اما به ناچار آنجا ماندم و بعد از سال تحویل تصمیم به بازگشت گرفتم که آنها گفتند ما چند روزی در ویلا می ZWNJ& مانیم. اصرارهای من برای بازگشت بی فایده بود و از سویی چون خودرویی نداشتم، نمی ZWNJ& توانستم به خانه برگردم. از طرفی خانواده ZWNJ& ام مدام تماس می ZWNJ& گرفتند و از من می ZWNJ& خواستند به خانه برگردم. نمی ZWNJ& دانستم چکار کنم ناگهان به ذهنم خطور کرد که به دوستم پیام بدهم و به دروغ به او بگویم که مرا ربوده ZWNJ& اند. تصورش را نمی ZWNJ& کردم که صحبت ZWNJ& هایم باعث شود که او به پلیس خبر دهد و پای پلیس به این ماجرا کشیده شود.

در ادامه تحقیقات صورت گرفته از سوی مأموران و تأیید صحبت ZWNJ& های فتانه، دختر جوان نزد خانواده ZWNJ& اش

برگردانده شد و سناریوی دروغین آدم&ZWNJ;ربایی برملا شد.